

گذری بر نهج البلاغه

قبسات: حضرت تعالی در ابتدا در باب ضرورت‌ها، بایستگی‌ها و خلأهای موجود در مورد شخصیت و زوایای اندیشه و زندگی حضرت علی علیه السلام و کتاب گران سنگ نهج البلاغه، که نیازمند تلاش عالمان مسلمان باشد، توضیحاتی بیان فرمایید.

آیت الله سبحانی: زندگانی امیرمؤمنان علی علیه السلام را می‌توان به پنج بخش قسمت کرد:

۱. از ولادت تا بعثت که ده سال به طول انجامیده است.
۲. از بعثت پیامبر تا هجرت که سیزده سال تمام در مکه بوده است.

۳. از هجرت تا رحلت پیامبر که ده سال بوده است.

۴. از رحلت پیامبر تا خلافت ظاهری که بیست و پنج سال تمام می‌باشد.

۵. از آغاز خلافت تا شهادت در محراب عبادت.

نویسندگان درباره بخش‌های چهارگانه زندگانی آن حضرت قلم فرسایی کرده‌اند و به حق نیم رخ روشنی از زندگی آن امام همام ترسیم کرده‌اند؛ مگر یک بخش از زندگانی آن حضرت که همان دوران انزوا و سکوت شکوه‌مند اوست. یعنی از رحلت پیامبر تا آغاز خلافت. کمتر کسی توانسته است در این مورد به نوآوری‌هایی دست یابد. این جانب نیز در «فروغ ولایت» در این بخش تلاشی انجام داده‌ام ولی مسلماً کافی نیست، لازم است که محققان

اسلامی از لابلای متون تاریخی سیمای زندگانی آن حضرت را در این ربع قرن ترسیم نمایند.

قبسات: کدام موضوع یا موضوعات از نهج البلاغه نیاز به بحث و بررسی بیشتر از سوی عالمان دارد؟

آیت الله سبحانی: مجموع خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار آن حضرت بر ده بخش تقسیم می‌شود: بخشی مربوط به برون‌گرایی است که به احکام اسلامی و نظام‌های آن، مکاتبه با شخصیت‌ها و دستورها و سفارش‌های رزمی و سیاسی پرداخته می‌شود. ما همه آن‌ها را نوعی برون‌گرایی می‌دانیم. بخشی دیگر مربوط به درون‌گرایی است که به مسائل مربوط به معرفت خدا و پیامبران و شناخت عوالم عینی و کمالاتی که انسان می‌تواند در این راه به دست آورد، می‌پردازد. این بخش از کلمات امام کاملاً دست نخورده

مانده و تفسیر لازم درباره آن، انجام نگرفته است، یعنی جملاتی از قبیل خطبه ۲۲۰، بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد: «فداحیی عقله و امات نفسه، حتی دق جلیله، و لطف غلیظه، برق له لامع، کثیر البرق، فابان له الطريق، و سلک به السبیل و تدافعته الابواب الی باب السلامه و تبنت رجلاه بطمأنینة، فی قرار الامن و الراحة؛ همانا خرد خود را زنده گرداند، و نفس خویش را میراند چندان که - اندام - درشت او نزار شد و ستبری‌اش زار. نوری سخت رخشان برای او بدرخشید و راه را برای وی روشن گردانید، و او را در راه راست راند، و از دری به دری برد تا به در سلامت کشاند، و خانه اقامت و دو پای او در قرارگاه ایمنی و آسایش استوار گردید به آرامشی که در بدنش پدیدار گردید.»

قبسات: از میان ترجمه‌ها و شرح و تفسیرهای نهج البلاغه و هم چنین سایر آثار موجود در باب شخصیت و افکار آن حضرت کدام را بیشتر می‌پسندید و چرا؟

آیت الله سبحانی: درباره نهج البلاغه از جهات مختلفی می‌توان سخن گفت:

الف - ترجمه‌ها: مترجمانی که اخیراً دست به ترجمه نهج البلاغه زده‌اند، آگاهی آن‌ها از علوم عربی و قواعد و لغت‌شناسی چندان استوار نیست لذا بسیاری از ترجمه‌ها در موارد زیادی برداشت است نه ترجمه دقیق عبارت حضرت. به نظر بنده، ترجمه ملاصالح قزوینی متقن‌ترین ترجمه است الا این که سبک ترجمه او، قدیمی است. و آهنگ زبان فارسی را ندارد همان‌طور که ترجمه جناب آقای دکتر شهیدی ترجمه‌ای، متقن و فصیح می‌باشد. در هر حال این کتاب، نیاز به ترجمه گروهی دارد که هر کدام آن‌ها از دیدگاه

خاصّ و تخصص خاص، ترجمه را پی‌گیری کنند.

ب- از نظر محتوا: از نظر محتوا جنبه‌های تاریخی شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، بسیار خوب است. در این کتاب مطالب ارزنده‌ای وجود دارد که کمتر در کتاب‌های دیگر پیدا می‌شود. در حقیقت این کتاب، پلی میان ما و گذشتگان است که افکار گذشتگان را به آیندگان منتقل می‌کند. اما آن‌گاه که به مسائل فلسفی، کلامی و عرفانی می‌پردازد چندان ظهور و جلوه‌ای ندارد. ولی شرح ابن میثم (متوفی ۶۸۹) - بر خلاف شرح ابن ابی الحدید - در ترسیم مسائل تاریخی بسیار ناتوان است و تسلط او بر تاریخ و حدیث چندان اعتباری ندارد ولی در زمینه مسائل عرفانی، کلامی و فلسفی، الحق والانصاف تبحر کافی دارد. شرح نهج البلاغه «خوئی» خواسته است میان هر دو شرح جمع کند و یک شرح جامع از خود نشان دهد ولی از آن جا که ضد عرفان و فلسفه است در مواردی لغزش‌هایی دارد. به علاوه مدارک زیادی که امروزه در دست است، در اختیار او نبوده است. البته این راه هم بگویم که شرح‌های دیگر هم هر یک در جای خود، مفید و سودمند است (شکرالله مساعیهم).

عنوان یک منبع فقهی چیست؟

آیت‌الله سبحانی: اولاً: آن چنان نیست که فقها اقبالی به نهج البلاغه نداشته باشند. نهج البلاغه یکی از منابع و سائل الشیعه است. چیزی که هست مرحوم رضی اسناد خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه را حذف کرده و مستون آن‌ها را آورده است، چون او نسبت آن‌ها را به امام علی علیه السلام ثابت و روشن می‌دانست و نیازی به ذکر سند نمی‌دید، ولی طول زمان آن تواتر یا استفاضه را کاهش داده است. از این جهت، متأخرین فقها کمتر از نهج البلاغه در قلمروهای فقهی بهره گرفته‌اند. ولی اکنون که مصادر نهج البلاغه به وسیله محققان تنظیم و منتشر شده است، با توجه به این که خبر موثوق الصدور، حجت است نه قول ثقه، بنابر این با گردآوری قراین و شواهد می‌توان بر صدور خطبه‌ها از آن حضرت، اطمینان پیدا کرد و در مقام فتوا اعتماد نمود.

قبسات: چنانچه جناب عالی اثر یا آثاری در مورد امام علی علیه السلام تألیف یا ترجمه فرموده‌اید، ویژگی‌های آن را بیان فرمایید؟

آیت‌الله سبحانی: این جانب، درباره زندگی امیرمؤمنان کتابی به نام «فروغ ولایت» نوشته‌ام. این کتاب در عین حال که در ۷۰۰ صفحه چاپ شده اما در آخر کتاب یادآور شده‌ام که بخش‌هایی از زندگی آن حضرت در این کتاب نیامده است و باید درباره آن بحث و گفت‌وگو شود، نظیر: علم و دانش، زهد و پارسایی، فضایل و مناقب، خطبه‌ها و خطابه‌ها، رسائل و نامه‌ها، پندها و کلمات قصار، احتجاجات و مناظرات، اصحاب و یاران ایشان و سرگذشت آنان معجزات و کرامات، قضاوت‌ها و داوری‌های محیرالعقول و ... در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است که این موضوعات هر یک به تنهایی، مجال دیگری و کتابی جداگانه می‌طلبد.

قبسات: علت عدم اقبال و توجه فقها به نهج البلاغه به

